ASPI | Afarand Scholarly Publishing Institute; Turkey
ISSN: 2538-4384; Geographical Research. 2023;38(3):331-341 10.58209/geores.38.3.331

Energy Geopolitical Developments and its Impact on Saudi Arabia's Tendency to Diversify Economic Resources

ARTICLE INFO

Article Type
Analytic Review

Authors
Ranjbar Gh.[1] *PhD*
Souri H. [2]* *MA*
Keyvan H.[2] *PhD*

How to cite this article
Ranjbar Gh, Souri H, Keyvan H. Energy Geopolitical Developments and its Impact on Saudi Arabia's Tendency to Diversify Economic Resources. Geographical Res-earch. 2023;38(2):331-341.

[1] Department of Political Science, Farabi College of Science and Technology, Tehran, Iran
[2] Department of Political Science and International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Correspondence
Address: Department of Political Science and International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Daneshgah Square, Tehran, Iran Postal Code: 1477893855
Phone: +98 (21) 44867606
Fax: -
hessansouri2@gmail.com

Article History
Received: June 19, 2023
Accepted: August 7, 2023
ePublished: September 6, 2023

ABSTRACT

Aims The study of energy geopolitics entails examining the role that energy plays in geopolitical dynamics and power competitions. The global economy and security place considerable importance and emphasis on energy, to the extent that it serves as an indicator of security levels. This significance applies to both oil-producing and oil-consuming countries, prompting them to carefully manage their situations to ensure they are not endangered by developments in global competition. The objective of this research is to investigate the geopolitical developments surrounding energy and their influence on Saudi Arabia's inclination to diversify its economic resources.

Conclusion In the realm of energy geopolitics, nations reliant on fossil fuel consumption have shifted their focus towards substituting it with renewable sources as a means of mitigating the vulnerabilities stemming from their dependence on conventional fuels. However, the altered global energy consumption pattern and the emergence of renewable energy have introduced novel risks for fossil fuel producing countries within the domain of energy geopolitics, thereby jeopardizing their national interests. Consequently, countries with substantial crude oil production, such as Saudi Arabia, have initiated endeavors to align their economic strategies with these transformations through comprehensive analysis of prevailing circumstances and anticipation of future developments, ultimately safeguarding themselves against long-term perils.

Keywords Geopolitics; Geopolitics of Energy; Renewable Energy; Saudi Arabia

CITATION LINKS

[Adami & Shokri, 2022] Iran's role in Iraq's geopolitical ...; [Ahmadypour & Rashidi, 2018] A geopolitical analysis: Representation of spaces of ...; [Ahmadypour & Rashidi, 2022] Geographical imagination and ...; [Albassam, 2015] Economic diversification in Saudi Arabia: ...; [Al-Hassan *et al.*, 2010] The GCC banking sector: Topography ...; [Allcott & Keniston, 2018] Dutch disease or agglomeration? The local economic effects of natural resource booms ...; [Alkhathlan & Javid, 2013] Energy consumption, carbon emissions and economic growth in Saudi Arabia: An aggregate ...; [Ariss *et al.*, 2007] Cost efficiency, technological progress and productivity growth of ...; [Bahgat, 2017] The changing Saudi energy outlook: ...; [Bradshaw, 2009] The geopolitics of global ...; [Choudhury & Al-Sahlawi, 2000] Oil and non-oil sectors in the ...; [Criekemans, 2018] Geopolitics of the renewable energy game and its potential impact upon ...; [International Energy Agency, 2023] Global methane tracker; [International Monetary Fund, 2023] World ...; [Kahouli *et al.*, 2020] Investigating the relationship between ICT, green energy, total factor productivity, and ecological footprint: Empirical ...; [Khalid Anser *et al.*, 2020] Evaluating 'natural resource curse' hypothesis under sustainable information technologies: A case ...; [Leigh, 2014] Energy-a geopolitical ...; [Sarrakh *et al.*, 2020] Impact of subsidy reform on the kingdom of Saudi Arabia's economy ...; [Stijns, 2005] Natural resource abundance and economic ...; [Mahdian & Fakhri, 2013] Iran's energy geopolitics and ...; [Mitchell *et al.*, 1996] The new geopolitics of energy; [Momeni *et al.*, 2021] Geopolitics of energy, Russia-EU relations (leaders' ...; [Nizam *et al.*, 2020] Achieving environmental sustainability through information technology: "Digital Pakistan" ...; [Overland, 2015] Future petroleum geopolitics: Consequences of climate policy and unconventional oil and gas. ...; [Zinatizadeh *et al.*, 2021] Assessment of urban areas ...; [Andrews-Speed, 2012] China's Domestic Energy Challenges and ...; [Rashidi *et al.*, 2021] The role of geographical imagination and geopolitical representation in dividing ...; [Rashidi *et al.*, 2016] The impact of cyberspace on ...; [Rashidi *et al.*, 2014] The mediating role of cinema in the representation of hard power case study: The movie ...; [Samargandi *et al.*, 2014] Financial development and economic growth in an oil-rich economy: The case ...; [Scholten & Bosman, 2016] The geopolitics of renewables; Exploring the political implications of ...; [Shaffer, 2009] Energy ...; [Sweidan & Elbargathi, 2022] The effect of oil rent on economic development in Saudi Arabia: Comparing the role of globalization and the ...; [World Bank , 2023] World Bank open ...; [Vision 2030, 2023] Saudi Vision ...; [World data lab, 2023] Current world population ...

Copyright© 2023, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

تحولات ژئوپلیتیک انرژی و تاثیر آن بر گرایش عربستان سعودی به متنوع‌سازی منابع اقتصادی

قاسم رنجبر PhD
گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم و فنون فارابی، تهران، ایران
حسین سوری* MA
گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
حسن کیوان PhD
گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: ژئوپلیتیک انرژی مفهومی است که با استفاده از آن می‌توان نقش انرژی را در پویایی‌های ژئوپلیتیک و رقابت‌های قدرت مورد بررسی قرار داد. اهمیت و جایگاه انرژی در اقتصاد و امنیت جهانی به قدری گسترده است که از آن به‌عنوان شاخصی برای میزان امنیت استفاده می‌شود. همین اهمیت برای هر دو گروه کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده نفت وجود دارد و آنها را بر آن داشته است که با توجه به تحولاتی که در عرصه رقابت‌های جهانی در حال وقوع است شرایط را به گونه‌ای مدیریت نمایند که از در خطر قرارگرفتن امنیت و منافع ملی آنان جلوگیری شود. در این تحقیق به بررسی تحولات ژئوپلیتیک انرژی و تاثیر آن بر گرایش عربستان سعودی به متنوع‌سازی منابع اقتصادی پرداخته شد.

نتیجه‌گیری: در فرآیند ژئوپلیتیک انرژی، در حالی که کشورهای مصرف‌کننده سوخت‌های فسیلی به سمت جایگزین‌سازی آن با منابع تجدیدپذیر حرکت کرده‌اند تا از میزان خطرات وابستگی به سوخت‌های سنتی بکاهند، کشورهای تولیدکننده سوخت‌های فسیلی به سبب تغییر در روند جهانی مصرف انرژی و معرفی انرژی‌های تجدیدپذیر خود را در معرض خطرات جدیدی در حوزه ژئوپلیتیک انرژی مشاهده می‌کنند که می‌تواند منافع ملی آنها را در معرض خطر قرار دهد. همین امر باعث شده است که برخی از کشورهای بزرگ تولیدکننده نفت خام نظیر عربستان سعودی با تحلیل شرایط و پیش‌بینی آینده تلاش‌های خود را برای همگام‌سازی اقتصاد خود با این تحولات آغاز نمایند تا در بلندمدت مانع از در خطر قرارگرفتن منافع و امنیت ملی خود شوند.

کلیدواژگان: ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک انرژی، انرژی تجدیدپذیر، عربستان سعودی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶
*نویسنده مسئول: hessansouri2@gmail.com

مقدمه

در نیم قرن گذشته، جمعیت کره زمین از ۳/۶ میلیارد نفر در سال ۱۹۷۰ میلادی به بیش از ۷/۸ میلیارد نفر در سال ۲۰۲۲ میلادی و حجم اقتصاد جهان از ۳/۴ هزار میلیارد دلار به بیش از ۱۰۴ هزار میلیارد دلار رسیده است [Population.io, 2023]. این امر به معنای آن است که حجم تولید و مصرف جهانی سریع‌تر از جمعیت رشد کرده است. به عبارت دیگر، در حالی که جمعیت جهان در یک فاصله ۵۲ساله تنها حدود ۱۱۵٪ رشد داشته است، تولید ناخالص جهانی یک رشد ۳۰برابری را تجربه کرده است. این رشد در اقتصاد جهانی با رشد مصرف انرژی نیز همراه بوده است. در این دوره، مجموع تولید انرژی جهان از ۱۷ هزار تراوات بر ساعت انرژی در سال ۱۹۷۰ میلادی به بیش از ۱۵۵ هزار تراوات رسیده است [International Energy Agency, 2023]. به عبارت دیگر، مجموع تولید و مصرف انرژی جهان تقریباً ده برابر رشد جمعیت جهان بوده است، هرچند نرخ رشد تقاضا برای انرژی از میزان رشد اقتصادی جهان کمتر بوده است، همچنان نگرانی‌هایی در زمینه توانایی اقتصادی و زیست‌محیطی جهان برای پاسخ به نیاز روزافزون جهان به انرژی وجود دارد و همین مساله باعث شده است که تلاش‌ها برای شناسایی و معرفی منابع تجدیدپذیر یا فناوری‌هایی که بهره‌وری انرژی را افزایش می‌دهند گسترش یابد. علاوه بر این، شوک‌های قیمت در بازار جهانی نفت در دهه ۱۹۷۰ و سال ۲۰۰۳ میلادی عامل تشدیدکننده دیگری بود که بسیاری از اقتصادهای جهان را بر آن داشت تا برای مقابله با هزینه فزاینده انرژی به سمت انرژی‌ها و فناوری‌های نوین حرکت کنند. بدین ترتیب در حالی که در ابتدای دهه ۱۹۷۰ میلادی تنها کمتر از ۲٪ منابع انرژی جهان به انرژی‌های تجدیدپذیر تعلق داشت، این رقم در سال ۲۰۱۰ میلادی به بیش از ۱۲٪ رسید که نشان از تحول در زیرساخت‌های تولید و عرضه انرژی در اقتصاد جهان دارد. در حالی که در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۰ میلادی سهم انرژی‌های تجدیدپذیر از مصرف جهانی تنها ۱۰٪ رشد داشت، در فاصله سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ میلادی این حوزه شاهد یک رشد قابل توجه ۷درصدی بوده است. به عبارت دیگر، گرایش اقتصاد جهانی به انرژی‌های تجدیدپذیر در یک دهه گذشته چندین برابر رشد داشته است و از میانگین سالیانه ۰/۰۲۵٪ به بیش از ۰/۷٪ رسیده است [Rashidi *et al.*, 2021]. محاسبه کلی روندهای مصرف انرژی نشان می‌دهد که در ۵۰ سال آینده سهم انرژی‌های پاک از مصرف جهانی به بیش از ۶۰٪ خواهد رسید. این موضوع نشان‌دهنده آن است که به‌صورت همزمان شاهد ظهور فرصت‌ها و تهدیدهای جدیدی در حوزه ژئوپولیتیک انرژی خواهیم بود که هرکدام از آنها نه‌تنها از توانایی اعمال تحولات جدید، عمیق و گسترده در ژئوپولیتیک جهانی برخوردار هستند، بلکه ظرفیت آن را نیز دارند که باعث تحت تاثیر قرارگرفتن منافع ملی کشورهای مختلف جهان شوند. این موضوع نشان می‌دهد که پویایی‌های ژئوپلیتیک در حال تجربه دگرگونی‌های گسترده‌ای است که عرصه‌های مختلفی نظیر انرژی را در بر می‌گیرد [AhmadyPour & Rashidi, 2020; Rashidi *et al.*, 2021]. همین امر ما را بر آن داشته است تا با توجه به اهمیت تحولاتی که در زمینه ژئوپلیتیک انرژی در حال رخ‌دادن است به بررسی تاثیر آن بر سیاست‌های عربستان سعودی بپردازیم که در حال حاضر بزرگترین صادرکننده نفت خام اوپک است.

ژئوپلیتیک انرژی

ژئوپلیتیک یک مفهوم پیچیده است که ارایه یک تعریف کامل از آن با دشواری‌های زیادی همراه است [Rashidi *et al.*, 2021]. با این حال به‌صورت کلی باید گفت که این مفهوم به موضوع رقابت

قدرت میان کشورهای مختلف اشاره دارد [Leigh, 2014]. از دهه ۱۹۷۰ میلادی که این مفهوم به‌صورت گسترده‌ای در هر دوی مطالعات دانشگاهی و سیاست‌گذاری کشورها تبدیل شد [Rashidi *et al.*, 2016]. از ژئوپلیتیک به‌عنوان رویکردی برای مطالعه و تحلیل روابط قدرت میان بازیگران مختلف و تکامل و تغییر آنها استفاده شده است. به بیان دیگر، این مفهوم از هر دو نظر کارکرد و معنا بسیار پویا است و همین پویایی آن بوده است که اجازه می‌دهد از ژئوپلیتیک برای ارایه تحلیل‌های موشکافانه علمی از روندهای موثر بر رقابت قدرت در سطوح مختلف بهره‌برداری شود [Ahmadypour & Rashidi, 2020]. در نگرش مدرن به مفهوم ژئوپلیتیک موضوعات مهمی نظیر اقتصاد، ژئواکونومی و انرژی و تاثیر آنها بر معادلات و رقابت‌های ژئوپلیتیک در نظر گرفته می‌شود و تلاش می‌شود تا با درنظرگرفتن عوامل مختلف یک تصویر جامع از واقعیت رقابت‌های قدرت در مقیاس‌های جغرافیایی گوناگون ارایه شود. این ماهیت چندبعدی و پویایی حاکم بر مطالعات ژئوپلیتیک باعث شده است که موضوعات مهم و تاثیرگذاری نظیر انرژی و رقابت‌های موجود در این حوزه مورد توجه قرار گیرند [Ahmadypour & Rashidi, 2018]. آنچه که باعث اهمیت‌یافتن انرژی در مطالعات ژئوپولیتیک و معرفی مفهوم ژئوپلیتیک انرژی شده است به سبب تاثیری است که انرژی می‌تواند در سیاست خارجی داشته باشد. چراکه انرژی به‌صورت همزمان می‌تواند به‌عنوان یک ابزار بالقوه در سیاست خارجی به کار گرفته شود و هم آنکه به سبب نقش فزاینده‌ای که در اقتصاد ملّی کشورها پیدا کرده است به عاملی برای دگرگونی سیاست خارجی و برنامه‌ریزی محیطی کشورها مبدّل شود [Adami & Shokri, 2022]. اهمیت ژئوپلیتیک انرژی به قدری گسترده است که برخی محققان بر روی این نکته تاکید دارند که بروز و وقوع هر تحولی در بازار انرژی می‌تواند موجب تحول در منافع و رویکردهای راهبردی کشورها شود [Shaffer, 2009]. بدین ترتیب می‌توان ژئوپلیتیک انرژی را برآیند تاثیر عوامل مختلف جغرافیایی نظیر موقعیت کشور، منابع انرژی، شیوه برداشت و توزیع، رقابت‌های قدرت و اقدامات سیاسی در زمینه شیوه تامین امن و آسان انرژی در نظر گرفت [Bradshaw, 2009]. به بیان دیگر، ژئوپلیتیک انرژی توضیح می‌دهد که چگونه انرژی به‌عنوان یک منبع مهم برای اقتصاد می‌تواند باعث تحول در زمینه رقابت‌ها و یا سیاست‌گذاری کشورها شود.

پیشینه علمی مطالعه ژئوپلیتیک انرژی به قرن نوزدهم و آغاز رقابت بر سر منابع انرژی باز می‌گردد. اما این شوک نفتی دهه ۱۹۷۰ و خیزش مجدد مفهوم ژئوپلیتیک در محافل سیاسی و دانشگاه جهان بود که جرقه پیدایش این مفهوم را زد. با این وجود مدتی زمان لازم بود تا در دهه ۱۹۹۰ میلادی به‌صورت گسترده و نظام‌مند از منظر ژئوپلیتیک به مطالعه مفهوم ژئوپلیتیک انرژی پرداخته شود. چرا که در دهه ۱۹۰۰ میلادی بود که با فروپاشی نظام دوقطبی و خطر بازیگران یاغی و اقدامات غیردولتی برای بازارهای جهانی انرژی نگرانی‌ها درمورد ثبات بازار نفت و گاز، مسیرهای حمل و نقل و چرخه امن توزیع و تامین انرژی برجسته شد. برای اهمیت‌یافتن مفهوم ژئوپلیتیک انرژی دلایل مختلفی ارایه شده است، اما به باور محققان این چهار دلیل از اهمیت به مراتب بیشتری برخوردار هستند. نخست، خاتمه‌یافتن جنگ سرد باعث شد که محدودیت‌هایی موجود برای کنش آزادانه ایالات متحده آمریکا در مناطق نفت‌خیز جهان نظیر خاورمیانه از میان برداشته شود؛ دوم، با ادغام روسیه و منافع سرشار نفت و گاز این کشور در بازارهای جهانی تجارت بین‌المللی انرژی متحول شد؛ سوم، تسهیل حمل و انتقال گاز در فواصل دور جغرافیایی باعث شد که گاز طبیعی بیش از گذشته در معادلات انرژی اهمیت یابد؛ و در نهایت پیش‌بینی شد که با معرفی فناوری‌های جدید بازارهای جهانی انرژی متحول خواهند شد [Mitchell *et al.*, 1996]. این موضوع باعث شده که برخی از محققان به این باور برسند که ژئوپلیتیک انرژی مطالعه امنیت ملّی و سیاست‌های بین‌المللی در حوزه انرژی را مد نظر دارد. در این چارچوب موضوعاتی نظیر بی‌ثباتی در مناطق و کشورهای تولیدکننده نفت، عوامل داخلی، مناقشات منطقه‌ای و جهانی، ظهور فناوری‌ها و بازیگران جدید، سیاست‌های داخلی، تغییر در منابع، ذخایر و فرآیندهای تولید انرژی و همچنین تحول در حمل‌ونقل و توزیع جهانی انرژی می‌توانند تاثیرات قابل ملاحظه‌ای بر ژئوپلیتیک انرژی و رویکردهای کشورها داشته باشد [Andrews-Speed, 2016]. این موضوع باعث شده است که مفهوم ژئوپلیتیک انرژی از پویایی و تحول زیادی برخوردار شود و در آن به موضوعات و تحولات جدیدی نظیر معرفی فناوری‌های تولید انرژی‌های نو و تجدیدپذیر و تاثیرات آنها بر سیاست‌های جهانی و منافع ملّی کشورها پرداخته شود [Criekemans, 2018]. همین امر باعث شده است که این مفهوم و مطالعات پیرامون آن از پویایی قابل توجهی برخوردار شود.

پویایی یکی از خصیصه‌های دانش ژئوپلیتیک است که اجازه می‌دهد موضوعات مختلف را همگام با تغییر نگرش‌ها مورد بررسی قرار دهد [Rashidi *et al.*, 2014]. در اینجا نیز پویایی و روزآمدی تحلیل‌های موجود در حوزه ژئوپلیتیک انرژی را باید تا حدود زیادی ناشی از گسترش شناخت استراتژیست‌های حوزه انرژی، محققان دانشگاهی و همچنین کارگزاران حکومتی نسبت به تحولات جهانی دانست که باعث شده است که دیگر همچون گذشته تکیه کشورهای جهان برای تامین انرژی بر منابع سوخت‌های فسیلی نباشد [Mitchell *et al.*, 1996]. به عبارت دیگر، از همان سه دهه پیش به آرامی نگاه‌ها متوجه تحولاتی شده بود که می‌توانست حوزه انرژی را متحول سازد. این تحولات بیش از همه در حوزه فناوری‌های جدیدی در حال رخ‌دادن بود که ظرفیت کاهش وابستگی جامعه بشری را به سوخت‌های فسیلی فراهم می‌کرد. به عبارت دیگر، از دهه ۱۹۹۰ میلادی و با معرفی نسخه‌های اولیه فناوری‌های پیشرفته در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر یک چشم‌انداز روشن از تاثیر و نقش این منابع انرژی جدید و بازیگران تاثیرگذار در این حوزه ترسیم شد

و به آرامی زمینه آن فراهم شد تا مطالعات حوزه ژئوپلیتیک انرژی از نظر مفهومی و دامنه پوشش گسترش قابل توجهی پیدا کند. به عبارت دیگر، تا پیش از این، بخش عمده مطالعات ژئوپلیتیک انرژی تمرکز خود را بر روی سیاست‌های جاری بازیگران ملی قرار داده بودند و به موضوعاتی نظیر رقابت قدرت‌های ملی در حوزه ژئوپلیتیک دسترسی و انرژی تمرکز داشتند [Overland, 2015]، اما با معرفی انرژی‌های تجدیدپذیر بخشی از محققان به تاثیر این حوزه و همچنین نقش‌آفرینی بازیگران غیردولتی در حوزه ژئوپلیتیک انرژی نیز توجه کردند [Scholten & Bosman, 2016]. بدین ترتیب می‌توان گفت که در حوزه ادبیات نظری، پژوهش‌های ژئوپلیتیک انرژی به‌صورت فزاینده‌ای در حال تنوع‌یابی و گسترش است و همین امر باعث شده است که محققان نسبت به تاثیر منابع جدید انرژی در معادلات ژئوپولیتیک انرژی علاقمند شوند.

در این زمینه می‌توان به *آدمی* و *شکری* اشاره کرد که به بررسی نقش‌آفرینی ایران در تحولات ژئوپلیتیک کشور عراق پرداخته‌اند [Adami & Shokri, 2022]. این نویسندگان با درنظرگرفتن معادلات حاکم بر بازار جهانی انرژی و تحولات سیاسی، اقتصادی و جهانی که در این حوزه در حال روی‌دادن است به بررسی روندهای حاکم بر ژئوپلیتیک انرژی عراق پرداخته‌اند و تلاش نموده‌اند تا به این پرسش پاسخ دهند که رویکردها و تحولاتی که در حوزه انرژی عراق رخ می‌دهد چه تاثیری بر منافع ملی ایران می‌گذارد. یافته‌های این پژوهشگران نشان‌دهنده آن است که سرمایه‌گذاری گسترده عراق بر صنعت نفت و انرژی این کشور در آینده نه‌تنها باعث گسترش سهم عراق از بازارهای جهانی انرژی خواهد شد، بلکه به سبب محدودیت‌هایی که در چند سال اخیر برای انرژی ایران ایجاد شده است سهم ایران را نیز از بازار انرژی عراق که بیشتر متمرکز بر حوزه برق است کاهش خواهد داد. به باور نویسندگان مجموعه روندهای حاکم در این حوزه نشان‌دهنده آن است که چناچه جمهوری اسلامی ایران با دقت و آینده‌نگری به مدیریت ژئوپلیتیک انرژی خود نپردازد به احتمال زیاد از بازار عراق کنار گذاشته خواهد شد و همین امر نیز درنهایت باعث درخطر قرارگرفتن بخشی از منافع ملی ایران در عراق می‌شود.

مهدیان و *فخری* تلاش داشته‌اند تا در پرتو تحولات جهانی که در حوزه ژئوپلیتیک انرژی در حال رخ‌دادن است به بررسی دیالکتیک ژئوپولیتیک انرژی ایران و غرب بپردازند [Mahdian & Fakhri, 2013]. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده آن است که در معادلات جهانی منابع انرژی ایران از اهمیت بسزایی برخوردار است و همین اهمیت باعث شده است که حذف ایران از بازارهای انرژی جهان ممکن نباشد. با این وجود، با توجه به تقابلی که میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا و متحدان غربی این کشور وجود دارد، این کشورها از دو جهت درمورد ایران نگرانی دارند. نخست آنکه این کشورها به سبب بیم از وابستگی به منابع انرژی ایران تلاش دارند تا سطح واردات خود را از این کشور به حداقل ممکن برسانند تا بدین ترتیب اجازه استفاده از سلاح نفت را به ایران ندهند. دوم آنکه به سبب موقعیت استراتژیک ایران در تنگه هرمز این کشورها همواره از آن بیم دارند که گسترش فشارهای سیاسی و امنیتی به ایران باعث اقداماتی از سوی ایران شود که جریان جهانی نفت را به مخاطره بیاندازد. همین امر باعث شده است که هم ایران و هم غرب در حوزه ژئوپلیتیک انرژی با دید تهدید به یکدیگر نگاه کنند و تلاش نمایند تا با استفاده از روش‌های مختلف مانع از آن شوند که طرف مقابل از ژئوپلیتیک انرژی به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار به دیگری استفاده کند. در نتیجه این رویکرد متقابل اهمیت کشورهایی نظیر عربستان که نقش مهمی در ایجاد تعادل در بازارهای جهانی نفت ایفا می‌کند افزایش یافته است و در نتیجه ژئوپلیتیک انرژی ایران و غرب به سطح قابل توجهی از پیچیدگی رسیده است.

مومنی و *توکلی مرند* تلاش نموده‌اند تا به مطالعه نقش ژئوپولیتیکی انرژی در ایجاد تعارض میان بازیگران مختلف و به‌ویژه رهبران سیاسی کشورها بپردازند [Momeni & Tavakoli Marand, 2021]. یافته‌های این تحقیق نشان‌دهنده آن است که هر یک از بازیگران عرصه سیاست بین‌الملل با توجه به جایگاه و منافع خود به بررسی و تحلیل نقش انرژی در معادلات ژئوپولیتیک منطقه‌ای و جهانی می‌پردازند و همین مساله باعث می‌شود که ادراک متفاوت رهبران سیاسی ایجاد شود. این ادراک متفاوت به‌تبع در محیط سیاست بین‌الملل زمینه را برای اتخاذ راهبردهای ملّی مختلفی فراهم می‌کند که در نهایت می‌تواند تشدیدکننده بحران‌ها و اختلافات ژئوپولیتیک و یا در خطر قرارگرفتن منافع ملی کشورها شود. به باور نویسندگان بهترین راهبرد در ژئوپولیتک انرژی کاهش وابستگی (چه در مصرف و چه در تولید) به کشورهای دیگر است.

در این تحقیق، با استفاده از رویکرد توصیفی به بررسی تحولات ژئوپلیتیک انرژی و تاثیر آن بر گرایش عربستان سعودی به سوی متنوع‌سازی منابع اقتصادی پرداخته شد.

مشخصات کلی اقتصاد عربستان سعودی

عربستان سعودی از نظر مساحت در رتبه ۱۲، از نظر جمعیت در رتبه ۴۰، از نظر تولید ناخالص داخلی در رتبه ۱۸، در تولید ناخالص داخلی در رتبه ۱۷، و از نظر ذخایر نفت در رتبه ۲ جهان قرار دارد. ۹۵٪ از جمعیت این کشور مسلمان و ۸۵٪ نیز اهل سنت هستند [World Bank, 2023]. این رتبه‌ها تنها بخشی از پروفایل ژئوپلیتیک عربستان سعودی است. به عبارت دیگر، برای فهم ژئوپلیتیک این کشور و ژئوپلیتیک انرژی عربستان سعودی نیاز است که با استفاده از تحلیل‌های منسجم ژئوپلیتیک در گام نخست ویژگی‌های اقتصاد، سیاست، امنیت و فرهنگ این کشور را مورد بررسی قرار داد تا در ادامه به توضیح انتخاب‌های عربستان سعودی در حوزه انرژی پرداخت. تولید ناخالص داخلی عربستان سعودی در سال ۲۰۲۱ میلادی ۱۰۰۰ میلیارد دلار و تولید ناخالص داخلی بر پایه قدرت خرید این کشور در همان سال ۲۰۰۰ میلیارد دلار بوده است [IMF, 2023]. این آمارها عربستان سعودی را به بزرگترین، قدرتمندترین

اقتصاد خاورمیانه و یک فضای ملی مستعد برای توسعه تبدیل کرده است.

در حالی که صنایع نفت، گاز و پتروشیمی روی هم رفته بیش از ۷۵/۳٪ از صادرات عربستان سعودی را به خود اختصاص داده است، سهم صنعت در اشتغال عربستان سعودی تنها ۲۱/۴٪ است. در حالی که بخش خدمات به‌تنهایی ۷۱/۹٪ از بازار کار عربستان سعودی را به خود اختصاص داده است و کشاورزی با ۶/۷٪ در رتبه آخر قرار دارد. در سال ۲۰۲۱ میلادی حجم صادرات عربستان سعودی بیش از ۲۲۱ میلیارد دلار بود که نشان می‌دهد حتی در دوران پاندمی کرونا نیز این کشور توانسته است بخش مهمی از اهداف صادراتی خود را تامین نماید. با این وجود، تحلیل سهم بخش‌های مختلف اقتصاد عربستان سعودی حکایت از آن دارد که بخش مهمی از درآمدهای خارجی عربستان سعودی در نتیجه صادرات مواد نفتی بوده است که حجم قابل توجهی از آن به‌صورت خام به بازارهای جهانی صادر شده است (نمودار ۱). این امر نشان‌دهنده وابستگی عربستان سعودی به منابع نفت برای تنظیم و اداره اقتصاد است که از نظر ژئوپولیتیک می‌تواند یک عامل تهدیدکننده برای امنیت ملی عربستان باشد. از منظر ژئوپولیتیک هر آنچه که باعث شود روند دسترسی امن کشورها به منابع تاثیرگذار در حفظ منافع و قدرت ملی مختلف شود یک تهدید ژئوپلیتیک خواهد بود [Ahmadypour & Rashidi, 2018]. بنابراین در اینجا وابستگی عربستان سعودی به منابع نفت و تاثیر تغییر در بازار جهانی انرژی یک عامل مهم تهدیدکننده برای منافع ملی این کشور است.

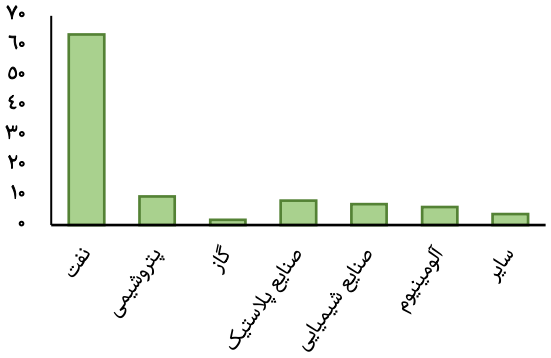

نمودار ۱) سبد صادرات عربستان سعودی

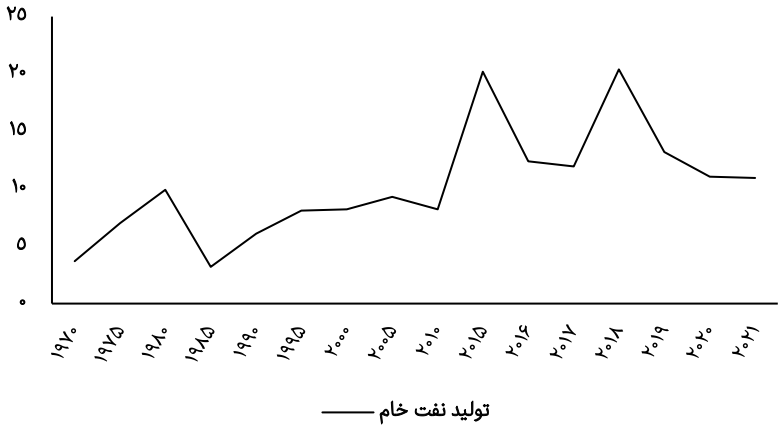

نمودار ۲) روند تولید نفت خام عربستان سعودی از سال ۱۹۷۰ میلادی تا سال ۲۰۱۹ میلادی (میلیون بشکه در روز)

اقتصاد مبتنی بر نفت

کشور عربستان سعودی تا ابتدای دهه ۱۹۷۰ میلادی در فهرست کشورهای فقیر جهان قرار داشت. در سال ۱۹۷۰ میلادی مجموع تولید نفت خام کشور عربستان سعودی تنها ۳/۷ میلیون بشکه در روز، مجموع تولید ناخالص داخلی حدود ۵/۳ میلیارد دلار، جمعیت کشور ۵/۸ میلیون نفر و سرانه تولید ناخالص داخلی معادل ۹۲۱ دلار بود. در اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی در نتیجه شوک نفتی ناشی از تحریم نفتی کشورهای غربی درآمدهای نفتی عربستان سعودی به سرعت افزایش یافت و تنها در یک فاصله ۱۰ساله درآمد سرانه مردم عربستان سعودی از ۹۲۱ دلار به بیش از ۱۶ هزار و ۸۰۰ دلار و تولید ناخالص داخلی از ۵/۳ میلیارد دلار به بیش از ۱۶۴ میلیارد دلار رسید [World Bank, 2023]. به عبارت دیگر، درآمد سرانه شهروندان عربستان سعودی ۱۷ برابر و تولید ناخالص داخلی این کشور ۳۱ برابر شد (نمودار ۲).

در اواسط دهه ۸۰ میلادی و در نتیجه کاهش قیمت نفت، تولید ناخالص داخلی عربستان در سال ۱۹۸۵ میلادی نسبت به سال ۱۹۸۰ میلادی کاهشی ۳۰درصدی و درآمد سرانه شهروندان عربستان سعودی نیز کاهشی ۶۰درصدی را تجربه نمود. به عبارت دیگر، تولید ناخالص داخلی عربستان سعودی به ۱۰۳ میلیارد دلار و درآمد سرانه شهروندان نیز به ۷ هزار و ۸۰۰ دلار کاهش یافت (نمودار ۳). در همین سال‌ها رشد جمعیت عربستان سعودی نیز ادامه یافت و از ۵/۸ میلیون نفر در سال ۱۹۷۰ میلادی به بیش از ۱۳/۱ میلیون نفر در سال ۱۹۸۵ میلادی افزایش یافت [World Bank, 2023] (نمودار ۴).

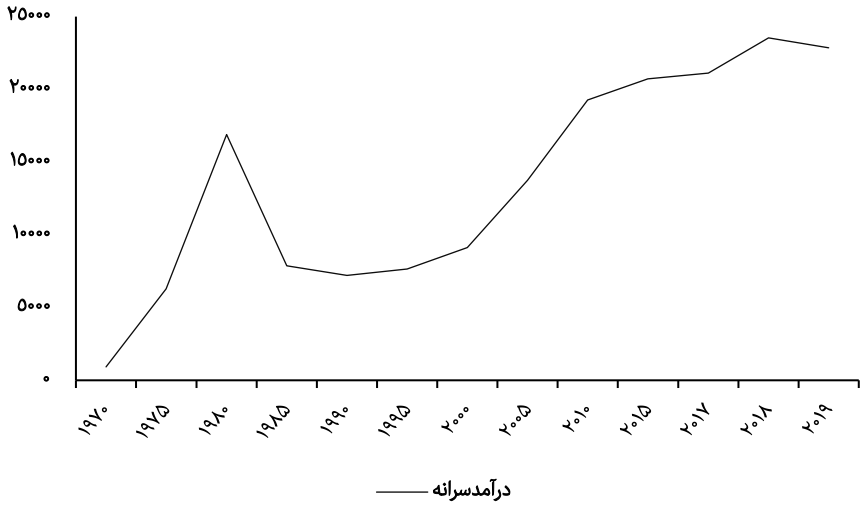

نمودار ۳) روند رشد درآمد سرانه عربستان سعودی از سال ۱۹۷۰ میلادی تا سال ۲۰۱۹ میلادی

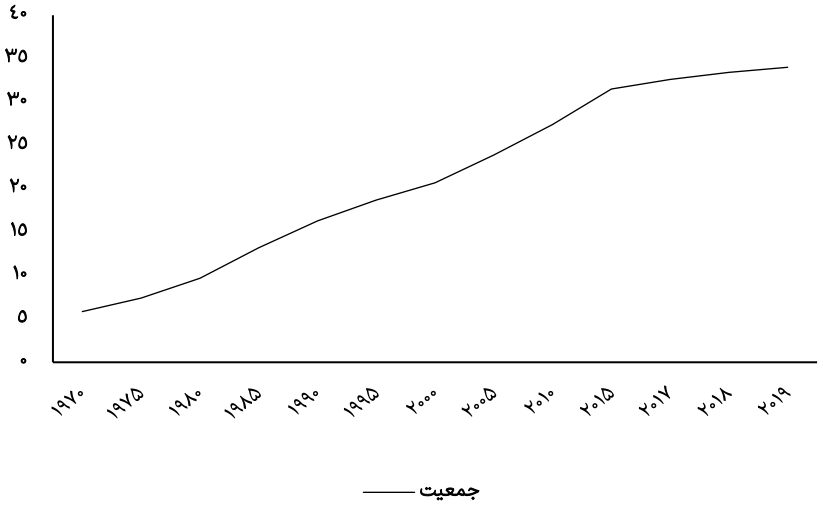

نمودار ۴) روند رشد جمعیت عربستان سعودی از سال ۱۹۷۰ میلادی تا سال ۲۰۱۹ میلادی

این تغییرات جمعیتی و بی‌ثباتی در تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه نشان داد که عربستان سعودی و اقتصاد این کشور به‌صورت فزاینده‌ای به درآمدهای نفتی وابسته شده است و به‌صورت پیوسته از نظر ژئواکونومیک در معرض خطرات ناشی از تحول در بازار جهانی انرژی قرار دارد. در این دهه تلاش‌ها در عربستان سعودی برای مدیریت منابع نفتی، درآمدهای خارجی، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی آغاز شد. با این وجود، در سال‌های بعدی در نتیجه افزایش تولید نفت و رشد نسبی درآمدهای نفتی این برنامه‌های اقتصادی به حاشیه رانده شدند [Sweidan & Elbargathi, 2022].

در اواخر دهه ۹۰ میلادی یک بار دیگر بازارهای جهانی نفت دستخوش بحران شدند. در این سال‌ها یک بار دیگر عربستان سعودی از ناحیه تغییر قیمت جهانی نفت آسیب دید و با مشکلاتی در زمینه تامین منابع درآمدی مواجه شد. در نتیجه، این کشور تصمیم گرفت تا با سرمایه‌گذاری در حوزه خدمات، صنعت و کشاورزی زمینه را برای تحول اقتصادی فراهم نماید. با این وجود ضعف‌های موجود در زیرساخت‌های صنعتی و همچنین کمبود ظرفیت‌های محیطی برای توسعه کشاورزی همچنان عربستان سعودی را در تولید ثروت از این طریق ناکام گذاشت. به‌عنوان نمونه، علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های گسترده در بخش کشاورزی و مشغول‌به‌کارشدن بیش از ۶/۷٪ از نیروی کار عربستان سعودی در بخش کشاورزی، سهم کلی این بخش از اقتصاد عربستان سعودی در سال ۲۰۱۹ میلادی تنها ۲/۶٪ بود که حکایت از آن دارد که راهبردهای عربستان سعودی برای تقویت بخش کشاورزی با چالش‌های مختلفی روبه‌رو است و نیاز است تا تغییراتی در روندهای اقتصاد این کشور به وجود آید (نمودار ۵).

هرچند عربستان سعودی از تلاش برای تقویت بخش کشاورزی ناامید نشده است، اما تلاش‌های خود را بر حوزه‌های دیگری متمرکز کرده است.

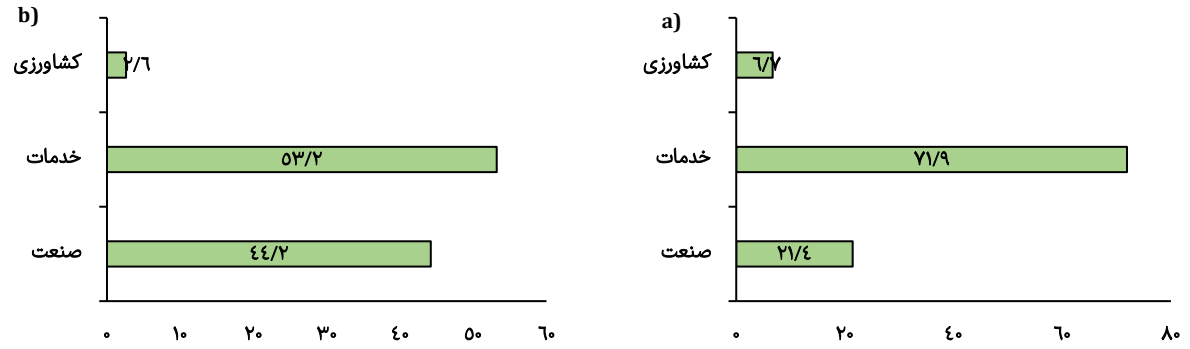

نمودار ۵) a: توزیع مشاغل؛ b: درآمد در بخش‌های سه‌گانه اقتصاد عربستان سعودی

تمرکز زدایی اقتصاد مبتنی بر انرژی

به منظور کاهش وابستگی به بخش نفت، دولت در چند دهه اخیر سعی در تنوع‌بخشیدن به اقتصاد از طریق توسعه بخش غیرنفتی داشته است. تلاش‌هایی برای ایجاد تنوع در بخش‌های تولید برق، مخابرات، اکتشاف گاز طبیعی و پتروشیمی انجام شده است. علاوه بر این، به منظور تقویت رشد اقتصادی، دولت به نقش مهم بخش مالی در هدایت وجوه به سمت فعالیت‌های اقتصادی پی برده است [Kahouli *et al.*, 2022]. به همین منظور، توسعه یک سیستم بانکی کارآمد، بازارهای مالی توسعه‌یافته و خدمات بیمه‌ای جامع و رقابتی را ترویج کرده است.

نشانه‌های متعددی مبنی بر تغییر اقتصاد از بخش نفتی به بخش غیرنفتی در طول چهار دهه گذشته وجود داشته است.

در طول دهه ۱۹۷۰، سهم بخش غیرنفتی از تولید ناخالص داخلی بسیار پایین بود و از ۳۰٪ به ۳۷٪ رسید. در آغاز دهه ۱۹۸۰، اقتصاد عربستان تغییر سریعی را به نفع بخش غیرنفتی تجربه کرد. در سال ۱۹۸۵، تولید غیرنفتی به ۷۷٪ تولید ناخالص داخلی رسید. این سهم بین ۶۰٪ و ۷۲٪ در طول دوره بعدی (۲۰۱۰-۱۹۸۶) در نوسان بود. *چودوری* و *السهلاوی* این رشد قابل توجه بخش غیرنفتی را حاصل تاکید بر تنوع در برنامه چهارم توسعه (۹۰-۱۹۸۵) و همه برنامه‌های بعدی می‌دانند [Choudhury & Al-Sahlawi, 2000]. از سوی دیگر، *الحسن* و همکاران استدلال می‌کنند که این افزایش‌ها در بخش غیرنفتی صرفاً نتیجه نوسانات تقاضای نفت و منعکس‌کننده نوسانات قیمت جهانی نفت است [Al-Hassan *et al.*, 2010].

اگرچه بخش مالی در عربستان سعودی شامل بانک‌ها و موسسات مالی غیربانکی است، اما بخش بانکی بر آن تسلط دارد. دلیل آن این است که سایر واسطه‌های مالی و موسسات مالی غیربانکی، مانند بازار سهام، صکوک (Sukuk) (اوراق قرضه اسلامی) و شرکت‌های بیمه، یا تازه تاسیس هستند یا توسعه نیافته‌اند. به‌عنوان مثال، بازار سهام عربستان به طور رسمی در سال ۱۹۸۴ تاسیس شد. تا آن زمان فقط یک بازار غیررسمی بود. علاوه بر این، تعداد شرکت‌های فهرست‌شده اندک بود (تا سال ۲۰۰۸ فقط ۷۲ شرکت ثبت شده بود). اگرچه صنعت بیمه عربستان بزرگ‌ترین بازار بیمه در میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (GCC) است، تنظیم مقررات این بخش توسط آژانس پولی عربستان سعودی (Saudi Arabian Monetary Agency (SAMA)) به تازگی یعنی در سال ۲۰۰۳ آغاز شده است. در سال ۲۰۰۴ تنها یک شرکت بیمه وجود داشت، اما در نیمه اول سال ۲۰۰۸ هیات وزیران مجوز فعالیت ۲۲ شرکت بیمه را تصویب کرد.

در مورد بخش بانکداری اسلامی و صکوک، چهار بانک اسلامی در عربستان سعودی وجود دارد. براساس گزارشی که کنفرانس جهانی بانکداری اسلامی درمورد رقابت‌پذیری بانک‌های اسلامی منتشر کرده است، عربستان سعودی رتبه اول را دارد که براساس درآمد بانک‌های اسلامی طی دوره ۲۰۰۶-۲۰۰۰ اندازه‌گیری شده است. با این حال، هیچ اطلاعاتی در مورد این بخش در دسترس عموم نیست. بخش بانکی در چهار دهه گذشته عملکرد خوبی داشته است و بدون شک تحت تاثیر فاز رونق نفت قرار گرفته است. چندین بانک تجاری سعودی تاسیس شده و تعداد بانک‌های تجاری به ۱۲ بانک افزایش یافته است. از این تعداد، پنج بانک کاملاً متعلق به سهامداران سعودی هستند در حالی که بقیه متعلق به ترکیبی از سهامداران سعودی و خارجی هستند [Ariss *et al.*, 2007]. جدول ۱ برخی از شاخص‌های منتخب بخش بانکی را نشان می‌دهد.

جدول ۱) شاخص‌های منتخب بخش بانکی عربستان صعودی

سال	M3/GDP	GDP	کل دارایی بانک
۲۰۰۵	۳۶/۸۶۴۴۴۶۹	۴۶/۸۲۱۸	۷۵۹۰۷۵
۲۰۰۶	۳۵/۶۴۱۱۳۸۰۵۷	۴۹/۴۶۰۴	۸۶۱۰۸۸
۲۰۰۷	۴۰/۰۵۹۱۳۹۸۶	۵۴/۷۴۶۳	۱۰۷۵۲۲۱
۲۰۰۸	۴۱/۱۲۵۳۲۲۱۶	۵۲/۰۱۸۵	۱۳۰۲۲۷۱
۲۰۰۹	۵۲/۵۳۹۷۶۳۴۹	۷۲/۸۴۰۶	۱۳۷۰۲۵۸
۲۰۱۰	۴۷/۵۹۲۴۳۴۵۳	۶۴/۳۴۱۹	۱۴۱۵۲۶۷

نسبت بدهی‌های نقدی به تولید ناخالص داخلی (M3/GDP) از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ نسبتاً افزایش یافته، اگرچه در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ نسبت به سال‌های قبل تا حدودی کاهش یافته است. نسبت نقدینگی بالاتر به این معنی است که اندازه سیستم بانکی رشد کرده است. نسبت اعتبارات بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی روندی مشابه نسبت بدهی‌های نقدی به تولید ناخالص داخلی

داشته است. جدول ۱ همچنین نشان می‌دهد که کل دارایی‌های بانک در طول سال‌ها به طور مداوم در حال افزایش بوده است. بانک‌های تجاری عربستان میزان سرمایه‌گذاری و وام‌های مصرفی را افزایش داده‌اند. بخش خصوصی در عربستان سعودی به دلیل تخصیص اعتبار محدود توسط بانک‌های تجاری رشد چندانی را تجربه نکرده است. با این حال، بانک‌های تجاری بیشتری وارد بازار پول شدند و از سال ۱۹۹۹ به بعد وام‌های خود را به بخش خصوصی گسترش دادند به طوری که پرداخت وام‌ها به شدت افزایش یافت. جدول ۱ همچنین نشان می‌دهد که مجموع پرداخت اعتبار بانک‌های تجاری از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ رشد متوسطی داشته است، اما در سال ۲۰۰۸ نسبت به سال قبل اندکی کاهش یافته است [Samargandi *et al.*, 2014].

راهبردهای جدید عربستان به منظور تمرکززدایی اقتصاد مبتنی بر نفت

دو راهبرد جدید از سوی عربستان سعودی برای روی‌گردانی از وابستگی فزاینده به استخراج و صدور نفت و کاهش ریسک‌های ژئوپلیتیک انرژی مورد توجه این کشور قرار گرفته است و حکومت سعودی نیز به‌صورت پیگیرانه به دنبال تحقق آنها است:

۱) حرکت از سمت یک اقتصاد مبتنی بر استخراج و صدور نفت به سمت ایجاد یک اقتصاد مبتنی بر هوش مصنوعی و پایداری زیست‌محیطی؛

۲) بازنگری در اقتصاد، تولید، مصرف و تجارت انرژی با تکیه بر توسعه منابع انرژی‌های پاک [Alkhathlan & Javid, 2013].

به نظر می‌رسد آنچه که باعث توجه عربستان سعودی به این دو راهبرد برای اصلاح ساختار اقتصادی شده است خطراتی است که از ناحیه تحولات بازارهای انرژی جهانی متوجه اقتصاد، امنیت و توسعه این کشور شده است. هر چند منابع عظیم مالی درآمدهای نفتی به‌صورت انحصاری در اختیار دولت عربستان سعودی قرار دارد، اما نوسانات قیمت انرژی در چهار دهه گذشته باعث شده است که حداقل در سه مقطع مختلف عربستان سعودی با کاهش منابع مالی برای اداره امور کشور مواجه شود و فرآیندهای رشد و توسعه اقتصادی این کشور با چالش‌های جدی مواجه شود. افزون بر این، معرفی فناوری‌های دوست‌دار محیط زیست جدید که باعث کاهش وابستگی اقتصاد جهانی به سوخت‌های فسیلی می‌شود یک روند رو به رشد را طی می‌کند که باعث خواهد شد در آینده بازار انرژی‌های فسیلی بخشی از اهمیت، کارکرد و ارزش اقتصادی خود را از دست بدهد [Mitchell *et al.*, 1996; Sarrakh *et al.*, 2020]. در چنین شرایطی اقتصادهای نفتی جهان به‌صورت جدی درمعرض خطرات ناشی از تغییر در تجارت جهانی انرژی قرار خواهند گرفت. برای جلوگیری از این رخداد، عربستان سعودی با استفاده از شرایط و فرصت‌هایی که در اختیار دارد دست به کار شده است تا زمینه را برای اصلاحات ساختاری در اقتصاد انرژی و به تبع آن ساختارهای اقتصادی کشور خود را فراهم آورد.

کانون تلاش‌های این کشور برای اجاره این برنامه صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان است. این صندوق در سال ۱۹۷۵ میلادی و با هدف مدیریت منابع مالی و ثروت کشور عربستان سعودی ایجاد شده است. صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان یکی از مهم‌ترین تامین‌کنندگان مالی شرکت‌ها و نهادهای مالی عمومی عربستان است و از آن به‌عنوان ابزاری برای ایجاد ارتباط با شرکت‌های خصوصی و ارایه پشتیبانی مالی از پروژه‌های مختلف یاد شده است. این صندوق به مدت ۴۰ سال زیر نظر وزارت امور مالی عربستان سعودی اداره می‌شد، تا اینکه در سال ۲۰۱۵ میلادی مدیریت صندوق سرمایه‌گذاری عمومی به شورای امور اقتصادی و توسعه عربستان سعودی انتقال یافت. این صندوق در سال ۲۰۱۷ میلادی نخستین برنامه اقتصادی خود را در چارچوب جدید و زیر نظر *محمد بن سلمان* معرفی کرد که در سال ۲۰۱۸ آغاز شد و در سال ۲۰۲۰ به پایان رسید (نمودار ۶).

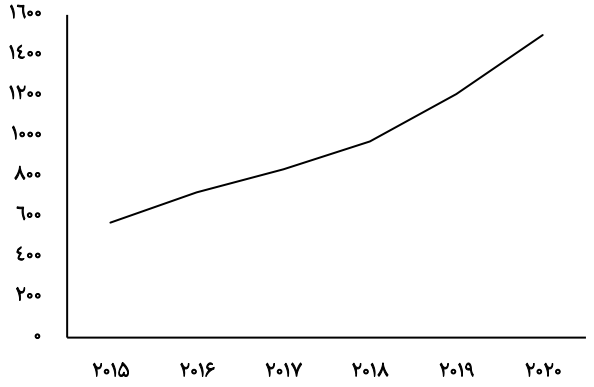

نمودار ۶) رشد دارایی‌های تحت مدیریت صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان سعودی در حد فاصل سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ میلادی (ارقام به میلیارد ریال سعودی)

دومین برنامه اقتصادی صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان در سال ۲۰۲۱ آغاز شده است و با پایان‌یافتن در سال ۲۰۲۵ آماده می‌شود تا برای دستیابی به چشم‌انداز توسعه ۲۰۳۰ اقدامات جدیدی را اتخاذ نماید.

در چارچوب چشم‌انداز جدیدی که برای این صندوق مالی و با هدف کاهش ریسک‌های اقتصادی عربستان ترسیم شده است، چهار هدف عمده به چشم می‌خورد:

۱) افزایش دارایی‌های صندوق سرمایه‌گذاری عمومی؛

۲) ایجاد بخش‌ها و فعالیت‌های جدید اقتصادی با استفاده از منابع مالی صندوق سرمایه‌گذاری عمومی؛

۳) ایجاد روابط اقتصادی راهبردی میان حکومت و بخش خصوصی عربستان با مرکزیت صندوق سرمایه‌گذاری عمومی؛

۴) بومی‌سازی فناوری‌های جدید و دانش با حمایت صندوق سرمایه‌گذاری عمومی [Bahgat, 2013].

صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان در نظر دارد که با هدف کاهش وابستگی اقتصاد عربستان سعودی به درآمدهای نفتی،

کم‌کردن ریسک‌های ژئواکونومیک و ایجاد فرصت‌های جدید در چهار حوزه زیر که ارکان اصلی برنامه‌ها و اهداف این صندوق است بیشترین فعالیت را انجام دهد:

۱) ایجاد صنایع بزرگ در عربستان سعودی؛

۲) ایجاد منابع درآمدی متنوع برای اقتصاد عربستان؛

۳) در دسترس قراردادن منابع مالی جدید؛

۴) بهبود کیفیت زندگی در عربستان [Vision2030, 2023].

برای دستیابی به این اهداف مجموعه‌ای از سیزده زیرحوزه استراتژیک تعیین شده است که شامل ۱) صنایع دفاعی و هوافضا، ۲) منابع انرژی تجدیدپذیر، ۳) فناوری‌های خودران، ۴) معدن‌کاوی و تولید فلزات، ۵) حمل‌ونقل و لجستیک، ۶) سلامت، ۷) غذا و کشاورزی، ۸) خرده‌فروشی و خدمات مشتریان، ۹) صنایع ساختمانی و زیرساختی، ۱۰) ارتباطات، رسانه و فناوری، ۱۱) سرگرمی، اوقات فراغت و ورزش، ۱۲) امور مالی، و ۱۳) املاک و مستغلات می‌شود [Vision2030, 2023]. کانون برنامه‌های عربستان سعودی کاهش وابستگی به صادرات نفت و جایگزین‌کردن درآمدهای ملی کشور با فعالیت‌های صنعتی، مالی و ورود به بازار جهانی انرژی‌های تجدیدپذیر است.

منابع تجدیدپذیر نقش بسیار زیادی در رشد اقتصادی یک کشور ایفا می‌کنند. عربستان چهاردهمین کشور بزرگ جهان است. این کشور دارای منابع طبیعی قابل توجهی در مواد معدنی، گاز طبیعی، نفت، تانتالیوم و نیوبیم است. این کشور دارای بزرگترین منابع معدنی در خاورمیانه مانند گوگرد، نمک، گچ، میکا و فلدسپات است، در حالی که غرب این کشور دارای ذخایر عمده معدنی از جمله روی، طلا، مس، آلومینیوم، نقره، کروم، سرب، منگنز، قلع، تنگستن و آهن است. جالب است که در این زمینه به اصطلاح "نفرین منابع طبیعی" اشاره کنیم [Stijns, 2005; Nizam *et al.*, 2020]؛ اصطلاح طنزی که اشاره‌ای بر این است که کشورهای با منابع طبیعی فراوان به دلیل پیشرفت کم زیرساخت‌های فناوری نمی‌توانند تاثیر مثبت آن بر رشد اقتصادی کشور را تجربه کنند، در حالی که کشورهایی که منابع طبیعی کمتری دارند به طور نسبی آن را افزایش می‌دهند [Khalid Anser *et al.*, 2020; Allcott & Keniston, 2018].

برنامه‌ریزی در عربستان با تکیه بر گسترش استفاده از انرژی های تجدیدپذیر عربستان سعودی بر این هدف بوده که ساختار اقتصاد و منابع تولید ثروت و درآمد خود را با تحولات جهانی همراه سازد و با متنوع‌سازی اقتصاد به نخستین اقتصاد نفتی جهان تبدیل شود که خود را از وابستگی به منابع حاصل از فروش نفت رها می‌کند [Albassam, 2015].

این رویکرد عربستان سعودی را باید محصول ورود و عرضه فناوری‌های جدید، گسترش دسترسی به منابع انرژی تجدیدپذیر و گرایش کشورهای جهان برای مصرف انرژی‌های فسیلی دانست. به‌صورت کلی، روندهای فعلی نشان‌دهنده آن است که در زمینه انرژی‌های نو ریسک‌ها و فرصت‌های ژئوپلیتیک متعددی وجود دارد که هرکدام از آنها تاثیرات مختلفی را می‌تواند به همراه داشته باشد:

۱) ورود انرژی‌های نو به بازارهای انرژی جهان بدون تردید در یک دهه آینده باعث تحول در جریان جهانی سرمایه در حوزه انرژی خواهد شد. این تحول در جریان سرمایه جهانی به‌صورت همزمان هر دو گروه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان عمده انرژی را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد و زمینه را برای بازتعریف کلی رقابت‌های موجود در حوزه انرژی را فراهم خواهد کرد.

۲) موضوع گسترش اهمیت انرژی‌های نو امری نیست که به آسانی در فضاهای جغرافیایی مختلف به وقوع بپیوندد. در این فرآیند همواره احتمال آن وجود دارد که معرفی انرژی‌های نو با ایجاد کاهش در تقاضا برای سوخت‌های فسیلی زمینه را برای آسیب‌دیدن اقتصادهای نفتی فراهم کند.

۳) افزایش بهره‌برداری از انرژی‌های نو باعث تغییر در جغرافیای قدرت جهان و جغرافیای قدرت در مقیاس ملّی و فرو ملّی خواهد شد. این مساله به معنای آن است که در حوزه ژئوپلیتیک انرژی شاهد به‌وجودآمدن موج جدیدی از رقابت، تعارض و همکاری در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی خواهیم بود که هرکدام از آنها شایسته دقت و مطالعات جدیدی هستند.

۴) یکی از نتایج عمده توسعه بهره‌برداری از انرژی‌های نو تغییر در روابط فضایی قدرت خواهد بود. این مساله به نوبه خود باعث تحولات مختلفی در حوزه ژئواکونومی می‌شود و در نهایت باعث به‌وجودآمدن زمینه‌های جدیدی می‌شود که همزمان در آنها می‌توان شاهد بروز فرصت‌ها و ریسک‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک متفاوتی بود.

نتیجه‌گیری

روندهای حاکم در ژئوپلیتیک انرژی تحت تاثیر عوامل مختلفی در حال دگرگونی است. عواملی نظیر رقابت‌های ژئوپلیتیک میان بازیگران مختلف و همچنین معرفی فناوری‌های جدید برای تولید انرژی پاک باعث شده است که کشورهای مختلف تلاش نمایند از میزان وابستگی خود به انرژی‌های فسیلی بکاهند. در چارچوب این روند، از یک طرف به سبب نگرانی‌هایی که در زمینه ژئوپلیتیک انرژی وجود دارد ساختارهای بازارهای انرژی در حال دگرگونی است و همین امر باعث شده است که کشورهای عمده تولیدکننده نفت در حوزه جستجوی بازار مصرف با رقابت‌ها و مسایل مختلفی روبه‌رو شوند. از طرف دیگر، نگرانی‌های زیست‌محیطی که در زمینه حفظ محیط زیست و کاهش آلودگی کره زمین وجود دارد، کشورهای مختلف را تشویق نموده است که روند سرمایه‌گذاری بر انرژی‌های تجدیدپذیر را افزایش دهند. همین موضوع باعث شده است که در چند دهه گذشته سهم انرژی‌های نو افزایش یابد و از سرعت رشد تقاضای نفت کاسته شود. پیش‌بینی‌هایی که در زمینه ژئوپلیتیک انرژی انجام گرفته است نشان می‌دهد که در ۵۰ سال آینده سهم انرژی‌های فسیلی از بازار جهانی انرژی به کمتر از ۵۰٪ کاهش خواهد یافت. مجموعه این روندها نشان‌دهنده آن است که اقتصادهای تولیدکننده نفت خام به‌صورت فزاینده‌ای در معرض خطرات تحول

در بازارهای جهانی انرژی هستند و همین امر ضرورت بازنگری در ساختارهای اقتصادی آنها را فراهم کرده است. در این میان به نظر می‌رسد عربستان سعودی یکی از نخستین کشورهای عمده تولیدکننده نفت خام است که متوجه دامنه خطراتی شده است که تحولات جهانی در بازار انرژی برای اقتصادهای نفتی فراهم کرده است. از این رو این کشور برنامه‌های متنوعی را آغاز کرده است تا به سرعت سهم نفت را در اقتصاد این کشور کاهش دهد و همزمان آمادگی اقتصادی این کشور را برای جهان پس از نفت فراهم نماید. دامنه این برنامه‌های دولت عربستان سعودی به قدری گسترده است که حتی باعث شده است رهبران این کشور مجاب شوند که خود آنها در آینده به یکی از تولیدکنندگان مهم انرژی تجدیدپذیر تبدیل شوند تا بتوانند یک جایگاه مناسب را در اقتصاد جهانی ایفا نمایند. مجموعه این شرایط نشان‌دهنده آن است که ژئوپلیتیک انرژی جهان با چنان سرعتی در حال تغییر است که ضرورت هوشیاری کشورهای تولیدکننده نفت خام نظیر ایران را بیش از پیش ساخته است. در این زمینه با توجه به شرایط حاکم بر این عرصه ضروری است که هر چه سریعتر کشور ایران نیز برنامه تحول اقتصادی خود را در حوزه انرژی آغاز نماید تا در آینده بتواند نقش و جایگاه موثری را برای خود در اقتصاد جهانی فراهم نماید.

تشکر و قدردانی: موردی از طرف نویسندگان گزارش نشده است.

تاییدیه اخلاقی: موردی از طرف نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع: موردی از طرف نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان: قاسم رنجبر (نویسنده اول)، پژوهشگر اصلی (٤٠٪)؛ حسین سوری (نویسنده دوم)، پژوهشگر کمکی (٣٠٪)؛ حسن کیوان (نویسنده سوم)، پژوهشگر کمکی (٣٠٪)

منابع مالی: موردی از طرف نویسندگان گزارش نشده است.

منابع

- Adami A, Shokri M (2022). Iran's role in Iraq's geopolitical energy outlook. Foreign Relations Quarterly. 13(4):755-784. [Persian]
- Ahmadypour Z, Rashidi Y (2018). A geopolitical analysis: Representation of spaces of fear in cinema. International Quarterly of Geopolitics. 14(50):21-55. [Persian]
- Ahmadypour Z, Rashidi Y (2020). Geographical imagination and geopolitical representation. Tehran: University of Tehran. [Persian]
- Albassam BA (2015). Economic diversification in Saudi Arabia: Myth or reality?. Resources Policy. 44:112-117.
- Al-Hassan A, Khamis M, Oulidi N (2010). The GCC banking sector: Topography and analysis. International Monetary Fund Working Paper. 10-87.
- Allcott H, Keniston H (2018). Dutch disease or agglomeration? The local economic effects of natural resource booms in modern America. The Review of Economic Studies. 85(2):695-731.
- Alkhathlan K, Javid M (2013). Energy consumption, carbon emissions and economic growth in Saudi Arabia: An aggregate and disaggregate analysis. Energy Policy. 62:1525-1532.
- Ariss RT, Rezvanian R, Mehdian SM (2007). Cost efficiency, technological progress and productivity growth of banks in GCC countries. International Journal of Business. 12(4):471-491.
- Bahgat G (2013). The changing Saudi energy outlook: Strategic implications. Middle East Journal. 67(4):565-579.
- Bradshaw M (2009). The geopolitics of global energy security. Geography Compass. 3(5):1920-1937.
- Choudhury MA, Al-Sahlawi MA (2000). Oil and non-oil sectors in the Saudi Arabian economy. OPEC Review. 24(3):235-250.
- Criekemans D (2018). Geopolitics of the renewable energy game and its potential impact upon global power relations. In D. Scholten (Ed.). The geopolitics of renewables.61.
- International Energy Agency (2023). Global methane tracker [Internet]. Paris: International Energy Agency [cited 2022, 18 Oct]. Available from: https://www.iea.org/reports/global-methane-tracker-2023.
- International Monetary Fund (2023). World economic outlook [Internet]. Washington: International Monetary Fund [cited 2022, 1 Dec]. Available from: https://www.imf.org/external/datamapper/profile/SAU
- Kahouli B, Hamdi B, Nafla A, Chabaane N (2022). Investigating the relationship between ICT, green energy, total factor productivity, and ecological footprint: Empirical evidence from Saudi Arabia. Energy Strategy Reviews. 42:100871.
- Khalid Anser M, Yousaf Z, Nassani AA, Xuan Vin V, Zaman K (2020). Evaluating 'natural resource curse' hypothesis under sustainable information technologies: A case study of Saudi Arabia. Resources Policy. 68:101699.
- Leigh M (2014). Energy-a geopolitical game changer. The International Spectator. 49(2):1-10.
- Sarrakh R, Renukappa S, Suresh S, Mushatat S (2020). Impact of subsidy reform on the kingdom of Saudi Arabia's economy and carbon emissions. Energy Strategy Reviews. 28:100465.
- Stijns JPC (2005). Natural resource abundance and economic growth revisited. Resources Policy. 30(2):107-130.
- Mahdian H, Fakhri S (2013). Iran's energy geopolitics and west energy security. Human Geography Research Quarterly. 44(4):45-64. [Persian]
- Mitchell JV, Beck P, Grubb M (1996). The new geopolitics of energy. London: The Royal Institute of International Affairs.
- Momeni M, Tavakoli Marand M (2021). Geopolitics of energy, Russia-EU relations (leaders' perception of nord stream 2). Research Political Geography Quarterly. 6(3):84-101. [Persian]
- Nizam HA, Zaman K, Khan KB, Batool R, Khurshid MA, Shoukry AM, et al (2020). Achieving environmental sustainability through information technology: "Digital Pakistan" initiative for green development. Environmental Science and Pollution Research. 27:10011-10026.
- Overland I (2015). Future petroleum geopolitics: Consequences of climate policy and unconventional oil and gas. Handbook of Clean Energy Systems. New Jersey: Wiley Online Library.
- Andrews-Speed P (2012). China's Domestic Energy Challenges and Overseas Adventures [Internet]. Netherlands: MARIS [cited 2022, 14 Oct]. Available from: https://www.ogel.org/article.asp?key=3320.
- Rashidi Y, Ahmadipoor Z, Alemi A, Bayat M (2021). The role of geographical imagination and geopolitical representation in dividing space/place into "our" and

and Social Change. 103:273-283.
- Shaffer B (2009). Energy Politics. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Sweidan OD, Elbargathi K (2022). The effect of oil rent on economic development in Saudi Arabia: Comparing the role of globalization and the international geopolitical risk. Resources Policy. 75:102469.
- World Bank (2023). World Bank open data [Internet]. Washington: The World Bank Group [cited 2022, 12 Dec; retrieved 2023, 5 April]. Available from: https://data.worldbank.org/country/SA.
- Vision 2030 (2023). Saudi Vision 2030. Available from: https://www.vision2030.gov.sa/media/rc0b5oy1/saudi_vision203.pdf
- World data lab (2023). Current world population clock [Internet]. Vienna: World Data Lab [cited 2022, 11 Nov]. Available from: https://population.io/
"their". International Quarterly of Geopolitics. 16(60):79-100. [Persian]
- Rashidi Y, Ahmadipor Z, Karimi M (2016). The impact of cyberspace on Egypt's revolution. The International Journal of Humanities. 23(1):99-117.
- Rashidi Y, Saei G, Faraji MR, Hosseininha L (2014). The mediating role of cinema in the representation of hard power case study: The movie "Zero Dark Thirty". Research on Humanities and Social Sciences. 4(12):128-135.
- Samargandi N, Fidrmuc J, Ghosh S (2014). Financial development and economic growth in an oil-rich economy: The case of Saudi Arabia. Economic Modeling. 43:267-278.
- Scholten D, Bosman R (2016). The geopolitics of renewables; Exploring the political implications of renewable energy systems. Technological Forecasting